# خصائص الأمراء

نوشتہ:
سید محمود بحرالعلوم میرواہوی



خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخَب الهی از آیات و روایات

مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی،سید محمود، 1336 -

عنوان و نام پدیدآور : خصائص الامراء: بیان ویژگی های امراء منتخَب الهی از آیات و روایات/ محمود بحرالعلوم میردامادی.

مشخصات نشر : قم :عطر عترت،1388.

مشخصات ظاهری : 72 ص.

شابک : 978-600-8855-42-2

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه : به صورت زیر نویس

موضوع : اولیا

موضوع : ولایت -- جنبه های قرآنی

موضوع : ولایت -- احادیث

رده بندی کنگره : BP223/8/م9خ6 1388

رده بندی دیویی : 297/45

شماره کتابشناسی ملی : 1963403

ص:1

اشاره

ص:2

ص:3

ص:4

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمؤمنین و الائمه علیهم السلام و صلی الله علی سیدنا و مولانا ابی القاسم محمد و آله الطاهرین لاسیما بقیه الله فی الارضین و لعنه الله علی اعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

به اسم تو می نویسم

به یاری اسم تو

چرا؟ زیرا خودت اسم را واسطه قرار دادی و در آغاز قرآن، فرمودی «بسم الله الرحمن الرحیم و فرمودی و لله الأسماء الحسنی فادعوه بها(1)

و حجت تو امام صادق علیه السلام فرمود: نحن والله الأسماء الحسنی(2)

و حجت تو امام رضا علیه السلام فرمود: إذا نزلت بکم شدیدهٌ فاستعینوا بنا علی الله عزوجل(3)



---

1- . اعراف، 180
2- . البرهان،ج3، ص248، ذیل آیه شریفه
3- . همان

## اُمراء منتخب

سخن پیرامون مقامات «اُمراء منتخَب» است، لذا از کلام خدای متعال که منتخِبِ پادشاهان هستی است آیاتی و از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت طاهرین علیهم السلام در موضوع این انتخاب و ویژگیها و خصائص آن، از جمله ویژگیِ حیات بخشی و سعادت آفرینیِ ولایت در جامعه ی بشری و نیازمندی انسان به این ولایت سخنانی می آوریم، و از او به وساطت اُمراء هستی، محمد و آل محمد(صلوات الله علیهم اجمعین) مدد می جوییم.

سید محمود بحرالعلوم - قم مقدّسه

میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

20 جمادی الثانی/1430

ص:6

سخن ما با مؤمنان به غیب و معتقدین به مبدأ و معاد هستی است.

کسی که ایمان به خداوند متعال یعنی بنّا و سازنده ی هستی دارد، ممکن است سؤال کند که خدای حکیم برای چه منظور و حکمتی انسان را خلق نموده است؟

قرآن کریم می فرماید: و ما خلقت الجن و الإنس إلّا لیعبدون(1)

(و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.)

پس آیه شریفه، دلالت دارد بر اینکه غرض خلقتِ جن و إنس عباده الله است.

باید دانست که عبادت انجام نمی گیرد و محقق نمی شود مگر با معرفت معبود و شناخت چگونگی عبادت که لایق او جل و علی باشد.

و بدیهی است که معرفت یابی نسبت به مکلِّف (خدای متعال) و تکلیف(عبادت) به دست نمی آید مگر به وحی الهی، اینجاست که بشر



---

1- . الذاریات، 56

خود را محتاج پیامبر صلی الله علیه و آله و شارحین وحی یعنی ائمه علیهم السلام باید بداند.(1)

الذین یؤمنون بالغیب و...:

پس، بعد از اینکه انسان معتقد به عالَم غیب شد، نوبت به عمل به دستوران مُنزَل از غیب می رسد.

یکی از مهمترین دستورات الهی، دستور «أقم الصلوه»(2)

است، خوب صلوه، یک مفهوم ظاهری دارد و آن ارکان مخصوصه است، که باید مکلّف همواره به این تکلیف عمل نماید، و یک مفهوم باطنی و آن توجه به ولایتِ برگزیدگان الهی، مودت آنان و إقامه ی حق آنان است.



---

1- . محققین مباحث ولایت و تشنگان معارف امامت را ارجاع می دهیم به کتاب شریف و فرید «المنهج القویم» أثر کیمیا اثر فقیه عظیم الشأن، آیه الله سید محمد رجایی(دام ظله)
2- . طه، 14

صلوه خاشعین:

نماز خاشعین، نمازِ «مؤمنین» است که در سوره مؤمنون بشارت فلاح و رستگاری آنان آمده است:

قد أفلح المؤمنون، الذین هم فی صلوتهم خاشعون(1)

به چه دلیل باطن صلوه را ولایت و إقامه ی حق صاحبان ولایت می دانیم؟

پاسخ:

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث نورانیت می فرمایند: ... فمن اقام ولایتی فقد اقام الصلوه... قال سلمان: قلت یا اخا رسول الله و من اقام ولایتک اقام الصلوه؟

قال: نعم یا سلمان تصدیق ذلک قوله تعالی فی کتابه العزیر: «واستعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلّا علی الخاشعین».

فالصبر رسول الله صلی الله علیه و آله



---

1- . مؤمنون، 2 و3 – الخشوع قریب المعنی من الخضوع و ضد الخضوع؛ الاستکبار (التبیان، ج1، ذیل آیه واستعینوا بالصبر و الصلوه ...)

و الصلوه إقامه ولایتی فمنها قال الله تعالی «و إنها لکبیره» و لم یقل و «إنهما لکبیره» لأن الولایه کبیرهٌ حملُها إلا علی الخاشعین(1)

ترجمه: کسی که بپا دارد ولایت مرا بپا داشته است نماز را... سلمان عرض کرد: ای برادرِ رسول خدا هر که بپا دارد ولایت شما را بپا داشته است نماز را؟ فرمود: آری ای سلمان؛ تصدیق آن در کتاب خدا آمده است که می فرماید: «واستعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلّا علی الخاشعین» پس صبر در آیه مراد رسول خدا صلی الله علیه و آله است و صلوه برپاداشتن ولایت من است و از همین جهت است که خدای تعالی نسبت به صلوه

می فرماید: «إنها لکبیره» و نفرموده است «إنهما لکبیره» (در این آیه، خدا امر فرموده که یاری بجویید به صبر و صلوه لکن صلوه تنها را فرموده کبیره است یعنی بزرگ است، این است که در بیان، ضمیر مفرد برای



---

1- . ولایت کلیه، ص50، نوشته عالم ربانی آیت الله میرجهانی(قدس سره)،از بحارالانوار علامه مجلسی(قدس سره)، باب نادر در معرفت ائمه(صلوات الله علیهم)

صلوه آورده وگرنه باید ضمیر تثنیه که «إنهما» است به جای «إنها» آورده باشد و کبیره بودن ولایت برای آن است که کسی تحمل آن را نمی تواند بکند مگر کسانی که اهل خشوع اند؛ و اهل خشوع شیعیانند که مستبصر و بینایند و این برای آن است که اهل قیل و قالهایی که از فرقه مرجئه و قدریه و خوارج و غیر ایشان از ناصبیها هستند، همه به پیغمبری محمد صلی الله علیه و آله قائلند و منکر نبوت او نیستند و اختلافی در آن ندارند اما در ولایت من اختلاف کردند و منکر آنند مگر کمی از مردم که خدا آنها را در کتاب عزیز خود وصف فرموده و گفته است که «إنها لکبیره إلّا علی الخاشعین» یعنی ولایت امر بزرگی است و تحمل آن را نمی کنند مگر کسانی که اهل خشوع اند و آنها شیعیان می باشند.

ص:11

پیروی از سابقان:

همه می دانیم که سابقان در خیرات(ایمان و اعمال صالحه) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت(علهیم السلام) می باشند.

کما قال الله تبارک و تعالی: السابقون السابقون...(1)

پیروان و مدافعین ولایت معصومین علیهم السلام را قرآن کریم «مصلین» اطلاق می کند، «ما سلککم فی سقر، قالوا لم نک من المصلین»(2)

(چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می گویند: ما از مصلین نبودیم.)

از امام صادق علیه السلام منقول است: لم نک من المصلین، یعنی از پیروان سابقین نبودیم.(3)

پس مصلّی همانطور که در کتب فقهیه آمده(4): کسی است که پیرو و دنبال برنده ی اول مسابقه (یعنی سابق) حرکت می کند، مصداق این مطلب، أتباع صاحبان ولایت و پیروان



---

1- . واقعه، 10
2- . مدثر، 42 و43
3- . نور الثقلین، ج 8، ذیل آیه شریفه
4- . شرح لمعه، باب سبق و رمایه

ائمه ی هدایت علیهم السلام می باشند که در مسابقه خیرات(1) (یعنی ولایت) برنده و سرفرازند.

مطلب مهمی که از آیه شریفه استفاده می شود اینست که، متابعت نکردن از ولایت و به قول قرآن کریم مُصلّی نبودن، باعث بدبختی انسان می گردد.

پس اولین فریضه بعد از ایمان، اینست که شخص مؤمن، در إقامه ی ولایتِ رسول الله و عترت آن حضرت، و پیروی از آن بزرگواران سعی و تلاش نماید.

مدد گرفتن از رسالت و امامت:

مدد گرفتن از دو دستگیره ی آسمانی، رسالت و امامت که در آیه شریفه: «واستعینوا بالصبر و الصلوه»(2)

آمده است، برای سعادت بشر کفایت می کند.

اعتقاد به رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از اعتقاد به وجود الله تبارک و تعالی، به عنوان آورنده ی قانون الهی و سازنده ی دژ استوار توحید(حصن) و اعتقاد به ولایت



---

1- . خیرات؛ ولایت است. نور الثقلین، ج1، ذیل آیه: فاستبقوا الخیرات
2- . بقره، 45

ائمه علیهم السلام (صلوه) به عنوانِ کهوف و نگهبانان این دژ، سه اصل از اصول اسلام را تشکیل می دهد.

بدیهی است که اصلِ ولایت بر مستکبرین و مخالفان مبانی اسلام سخت و سنگین است، زیرا بقاء مبانی اسلام و معارف قرآن با ولایت و صاحب اختیاری ائمه و رهبری و ارشادات آن حضرات بوده است.

همین امر باعث شده که دشمنان اسلام و بیشتر یهود، با علت مبقیه ی دین یعنی با ولایت ائمه ی معصومین علیهم السلام به مبارزه برخیزند و با دور نمودن

مسلمین از قطب دین، به اختلافات دامن بزنند.

عبادت بی دستور:

اگر اقامه ی ولایت که صلوه خاشعین است در روح و جان ما محقق نشود و تنها مصلی و برگزار کنندگان ارکان مخصوصه باشیم، عبادتی بی دستور و از خود انجام داده فردا به سؤال: «ما سلککم فی سقر... »(1) مسئول خواهیم بود.



---

1- . مدثر، 42 و43

شناخت نمایندگان خداوند:

پس از بحث مبدأ شناسی، ما به بحث منهج شناسی می رسیم و این بحث، ما را به اصل پیامبرشناسی و امام شناسی سوق می دهد.

کسب شناخت نمایندگان خداوند متعال، نه فقط به عنوان مدرسین منهج عبادت، بلکه به عنوان عاملین به بندگی خالصانه، و مشوقین عملی به عبودیت، لازم و ضروری است. ادله قرآنی و روائی می گوید:

صلوه به معنی ارکان مخصوصه و دیگر اعمال عبادی به صلوه باطنی یعنی همان قبول ولایت اولیاءالله و به معرفت ایشان محتاج است.

ما با همین ادله، مدعی اعتقادی بالاتر از این نیز هستیم، و آن اینست که موحّد بودن انسان بستگی به قبول ولایت اولیاء الله دارد.

فهو لکم:

اهل مطالعه در علوم قرآنی و روشن ضمیران دانش ربانی می دانند که آیه ی شریفه: «إلّا من شاء أن یتخذ إلی

ربه سبیلاً»(1)

(تنها پاداش من این است که کسانی بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.)

به وسیله ی عمل به آیه ی شریفه: «قل لا أسئلکم علیه أجراً إلّا الموده فی القربی»(2)

تفسیر و تبیین می گردد.

مزد رسالت که در آیه ی اول، اتخاذ راه ربّ بیان شده است. همان مودت صاحبان ولایت(عترت طاهرین علیهم السلام) است که در آیه ی دوم مطرح گردیده است.

به تعبیر دیگر، موحّد بودن و طی نمودن طریق ربّ، به رهبری و ارشادات عترت علیهم السلام نیازمند است.

قرآن کریم با آیه ی شریفه: «فهو لکم»(3)

مبشّر سعادتمندی کسانی است که راه را از راهنما می جویند و در طریق توحید، با ارشاد امام معصوم حرکت می کنند.



---

1- . فرقان، 57
2- . شوری،23 (بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.)
3- . سبأ، 47

«شعر»

مودّت اصل دین باشد برادر***صفای دل همین باشد برادر

سخن از آیه ی «أن یَتَّخِذ» گو***ز تأویل مودّت بهره ای جو

مودّت اتخاذ راه ایمان***شده فرض الهی بر مسلمان

به قرآن خدا «فَهوَ لکم» خوان***همه سود مودّت بهر خود دان

بیا رشکی ببر بر جهد عمار***که نوشد شهد ایمان در برِ یار

بیا درسی بخوان از صبر اَشتر***مودت را ببین در جان قنبر

مودت را ببین در روز عاشور***کلاس درس دین تا نفخه ی صور

استواری در راه ولایت:

استقامت در راه ولایت و استواری در طریق امامت، همان پایداری در راه توحید و خداپرستی است.

ص:17

یعنی کسب معرفت ولی و حجت الهی و استقامت در راه عمل به دستورات او، انسان را به معرفت الله(تبارک و تعالی) می رساند.

آیه ی شریفه قرآن: «و أن لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماءً غدقاً»(1) که سخن از پایداری در راه ولایت و طریقه ی امامت دارد، نتیجه اش همان است که فرموده است: «إن الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا»(2)

طریقه ی ولایت و راه امامت است که سلمان و اباذر و بلال می سازد.

وقتی انسان را از آب خوش گوار محبت و چشمه ی حیات بخش مودت می نوشانند، گویای «ربنا الله» می شود و مُلهَم به الهام ملائکه الله، بدون حزن و ترسی طریقِ بهشت را طی می کند.



---

1- . جن، 16 (و اگر آنها (جن و انس) بر طریقه (ایمان) استقامت ورزند ما آنها را با آب فراوان سیراب می کنیم.)
2- . فصلت، 30 (کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند)

با بیان گذشته به ویژگی باب الله بودن صاحبان ولایت اشاره نمودیم.

و این ویژگی، ویژگیهایی دارد که یکی از آنها این است که انحصاری است.

باب معرفت الله، فقط عترت طاهرین(صلوات الله علیهم أجمعین) هستند.

جامعه بشری اگر خواهان سعادت است باید از این راه وارد و در این دانشگاه به تحصیل معارف الهیه بپردازد. ادله ی قرآنی و روائی این ویژگی فراوان است ولی ما به قدر ظرفیت و کشش غالب، به بیان مطالب مأموریم.

قرآن کریم می فرماید: أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و ألزمهم کلمه التقوی(1)



---

1- . فتح،26 (و (در مقابل) خداوند آرامش را بر رسول خود و مؤمنان نازل فرمود، آنها را به کلمه تقوی ملزم ساخت.)

## کلمه التقوی چیست؟

در قرآن ما به کلمه و کلمات بر می خوریم. عیسی مسیح علیه السلام را قرآن(1)

کلمه می خواند و آل پیامبر را کلمات. (2)

گاهی از امام و حجت الهی به کلمه باقیه(3) یاد می کند و گاه به کلمه تقوی.

شیفتگان معارف باید کلمه به کلمه در این کلمات دقت نموده و عترت را از قرآن کریم بشناسند.

همه می دانند که هر نوشته و کتابی از اسم و فعل و حرف تشکیل شده است، اسم و فعل به خودی خود دارای معنا و مفهوم است ولی حرف به تنهایی مفهومی ندارد.

پس اسم و فعل دو کلمه ی کامل و تام هستند و حرف، کلمه ی ناقصه و غیر کامل محسوب می شود. برای همین باید حرف با اسم و فعل مصاحبت نموده و از کمال این دو بهره مند گردد.



---

1- . آل عمران، 39-45
2- . بقره، 37 – بقره، 124
3- . زخرف، 28

همین مطلب را در مورد کتاب تکوین تصور کنید.

موجودات جهان هستی هر کدام یک کلمه از کلمات این کتاب می باشند و هر کدام یا کامل و یا غیرکامل و ناقصند.

انسان که یک کلمه از این کتاب به حساب می آید نیز به کامل و غیرکامل تقسیم می شود.

بدیهی است که انسان غیرکامل محتاج انسان کامل است و باید برای رسیدن به کمال دست به دامن افراد کامل گردد.

ارسال رسل و مأموریت دادن به اوصیاء، برای پاسخ به این نیاز است.

وسیله ی کمال بشریت، اوامر و نسخه های معصومین است، إبتغوا إلیه الوسیله در قرآن کریم گویای همین مسئله است. (1)

پس گفتار مخالف با دلیل عقل و نقل مخالف بوده و انسان ناقص را از تمسک به افراد کامل «معصوم» باز می دارد.



---

1- . مائده، 35

در زیارت جامعه می خوانیم: «بموالاتکم تمت الکلمه و...»

یعنی به قبول ولایت شما اهل بیت کلمه ی ناقصه (انسان غیرکامل) کامل می گردد.(1)

برای همین خداوند متعال مؤمنین را ملزم به قبول ولایت کلمه التقوی و

اعلام الهدی (یعنی اهل بیت) نموده است. (2)

و أشهد أنّ الائمه من ولدک کلمه التقوی و اعلام الهدی...(3)

البته این الزام به ولایت و این تعهد در برابر امامت، سابقه اش به روز جمعه «عالم ذر» بر می گردد «یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلوه من یوم الجمعه...»(4)



---

1- . و یا اعتقاد به اسلام با قبول ولایت شما کامل و تمام می شود، همانطور که قرآن پس از ابلاغ ولایت می فرماید: الیوم اکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی
2- . البرهان، ج7، ص243
3- . زیارت وارث
4- . جمعه، 9 (ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته می شود به سوی ذکر خدا بشتابید.)

امروز کلمه ی تقوی حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و معتقدین به آن جناب، متقین اند که قرآن کریم هدایت را منحصر به ایشان دانسته است: «ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین»(1)

مهدویت و بقاء توحید:

بقاء دین مبین و توحید ابراهیمی منحصراً به ولایت و مهدویت بستگی دارد.

قرآن می فرماید: «و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»(2)

یکتاپرستی دوامش منوط به رهبری کلمه باقیه است و کلمه باقیه امامت دائمی اولاد ابراهیم (عترت پیامبر اعظم صلوات الله علیهم اجمعین) تا روز قیامت است.

چرا امام منتظَر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بقیه الله می گویند: «بقیه الله خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین»(3)



---

1- . بقره، 2
2- . زخرف، 28 (او کلمه ی توحید را کلمه ی باقیه در اعقاب خود قرار داد.)
3- . هود، 86

با امامت این ذخیره ی الهی، دین مبین و معارف هداه معصومین باقی و برقرار می گردد و نور وجود آن محبوب، همیشه باقی و جاویدان است، مگر نفرمود: «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک...»(1)

و مگر در دعای کمیل نمی خوانیم: و بوجهک الباقی...

نتیجه:

پس انسان غیرکامل راهی جز حرف شنوی و شاگردی در مکتب انسان کامل را ندارد. فانی برای رسیدن به

حیات طیبه و بقاء معنوی باید به باقی متوسل گردد.

و این انحصار، در آیات قرآن فراوان برای بشر تابلو شده است.

شما ببینید آیه ی تطهیر،(2)

با إنّما آمده است، چرا؟



---

1- . الرحمن، 27-26 (تمام کسانی که روی آن(زمین) هستند فانی می شوند، و تنها وجه خدا باقی می ماند.)
2- . احزاب، 33

خدای متعال مسّ نمودن قرآن را فقط برای «مطّهرون» امضاء کرده است. (1)

یا این دو مقدمه، قرآن را کتاب هدایت متقین قرار داده است:

«ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین»(2)

مقدمه ی اول: معصومین، اهل بیت علیهم السلام هستند.

مقدمه ی دوم: ظاهر و باطن قرآن پیش معصومین است.

پس قرآن با بیان عترت، هدایت برای متقین باید باشد.

قرآنی که حقائق و اسرار آن، بواطن و تأویلات آن فقط در حضور پر نورِ «من عنده علم الکتاب»(3)،

حلال



---

1- . واقعه، 79
2- . بقره، 2
3- . رعد، 43 – عن ابی سعید خدری قال: سألت رسول الله(ص) عن قول الله تعالی: «و من عنده علم الکتاب» قال: «ذلک اخی علی بن ابی طالب علیه السلام (شواهد التنزیل، جلد1، صفحهِ 307، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا، ابن حنفیه، ابن عباس، ابی صالح)

مشکلات و سفینه النجاه کشف و حل می شود. آیا هدایتش انحصاری نیست؟

خواهش کاتب این نوشته، از خوانندگان آگاه این است که با صبوری به مطالب گذشته و آینده، خاصه این سطور توجه نموده، ببینند آیا نباید الحمد لله الذی هدانا لهذا ... (1)

را در هر لحظه از عمرمان بازگو نموده، و شاکر نعمت ولایت و امامت باشیم.

گروه رستگاران:

فلاح و رستگاری که بزرگترین مطلوب بشریت می باشد در کدامین مکتب به دست می آید؟

آیا انسانها چه مقدار در این مسئله تحقیق و بررسی داشته اند؟

طرفداران قرآن می دانند که فلاح و رستگاری فقط در مکتب عترت علیهم السلام یافت می شود.

براساس براهین عقلی و نقلی (قرآنی و روائی) ما یک صراط مستقیم بیشتر نداریم، و آن



---

1- . اعراف، 43

طریق و راه قرآن با تفسیر و تبیین عترت است.

کتاب الله و عترتی:

ما به دلیل عقل، حدیث کتاب الله و سنتی را مردود می دانیم، چرا که بعد از نابود شدن حدیث، که مبلّغ

سنت است یعنی بعد از به آتش کشیدن سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله رجوع به سنت صحیحه، سالبه بانتفاء موضوع شده است و این در حالی است که اساساً حدیث مذکور، ساختگی و سنداً بی اعتبار است.

پس برای تبیین قرآن و برای رسیدن به سنت صحیحه ی نبوی فقط باید به عترت طاهرین علیهم السلام رجوع کنیم.

ص:27

(1)

ص:28

---

1- . قال رسول الله صلی الله علیه و آله : إنّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله عزّوجلّ و عترتی کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و ان اللطیف الخبیر اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظروا بم تخلفونی فیهما. (مسند احمد، جلد3، صفحه ی18، و جلد2، صفحه ی17/ کنزل العمال، متقی هندی، حدیث944 و احادیث بعد از آن) عن زید بن ارقم قال: قام رسول الله صلی الله علیه و آله یوماً خطیباً فحمدالله و اثنی علیه ثم قال: الا ایها الناس فانما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فاجیب و انا تارک فیکم ثقلین اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به فحثّ علی کتاب الله و رغب فیه ثم قال و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی (صحیح مسلم، طبع سعودی، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام / سنن دارمی، دارالکتب العربی، جلد2، صفحه ی 524، حدیث 3316) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ... فانظروا کیف تخلفونی فی الثقلین؟ قالوا و ما الثقلین، یا رسول الله؟! قال: کتاب الله طرفه بیدالله و طرفه بایدیکم فاستمسکوا به و لاتضلوا و الآخر عترتی و ان اللطیف الخبیر نبأنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض فسألت ذلک لهما ربی فلا تقدموها فتهلکوا و لا تقصروا عنهما فتهلکوا و لا تعلوهم فانهم اعلم منکم من کنت اولی به من نفسه فعلی ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. (کنزالعمال، متقی هندی، حدیث957)

اگر کسی در موضوع حکومت عترت علیهم السلام و رهبری آن حضرات به تغییر و تبدیل روی آورده، با بافتن مطالب و تعریف حقایق مردم را به غیر (قرآن و عترت) دعوت نماید، برخلاف این انحصار الهی و نسخه ی درمان آسمانی قدم برداشته به فلاح و رستگاری بشریت زیان و لطمه وارد نموده است.

مکتبی که نه افراط دارد و نه تفریط، امت میانه و به قول قرآن «امت وسط»، مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

«و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس...»(1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نحن الامه الوسطی ...»(2)

در روایتی آمده است که پیامبر به علی علیه السلام فرمودند: «أنت بمنزله الکعبه»(3)

یعنی تو نقش کعبه را داری، کعبه از احترام الهی برخوردار است، کعبه مورد توجه موحّدین است، توجه به کعبه عبادت است و خلاصه، کعبه محور طواف مؤمنین است، و اینها همه با برتریهای دیگر، ویژه ی امام و حجت الهی



---

1- . بقره، 143 (شما را امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید.)
2- . البرهان، ج1، ص344(ما امت میانه هستیم).
3- . اسد الغابه، ج4، ص31

است. مثلاً شب قدر، ملائکه بر وجود امام طواف می کنند.

به هر حال این توصیفهای قرآنی و روائی که از جانب مکلِف (خدا و رسول) بیان شده است، بی جا و حتی کم فائده و یک مدح صرف نیست.

مگر «یس والقرآن الحکیم» را نخوانده ایم؟ مگر آیات قرآن بی حکمت و بدون هدف است؟!

قرآن حکیم می فرماید: «و أذّن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً و علی کل ضامرٍ یأتین من کلِ فجٍّ عمیقٍ»(1)

توجه به امام زمان و حجّت دوران در هر عصر، یک وظیفه ی بزرگ و بزرگترین وظیفه است.

برای همین حاجی باید معرفت حجت الهی را کسب نموده با بصیرت، امیرالحاج را ببیند و از او طلب هدایت و رستگاری کند.



---

1- . حج، 27 (و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دور (به سوی تو) بیایند.)

درست است که در نماز می خوانیم: «إهدنا الصراط المستقیم»(1)

اما فیوضات الهیه از جمله هدایت از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما می رسد.

حاجی به دستور شرع مطهر به دور کعبه طواف می کند ولی باید بداند کعبه، نماد عظمت، قداست، و محوریت امام و حجت خداوند متعال است.

چگونه محوریت قول پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مورد اتفاق است و همگان از سنّت ایشان سخن می گویند، همین رتبه در آیه ی شریفه ی: و اولی الامر منکم(2) برای عترت علیهم السلام کاملاً آشکار و معلوم است.

کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود***حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست



---

1- . حمد، 6
2- . نساء، 59

پس اولاً مکتب عدالت و میانه روی، مکتب حجج الهیه است و ثانیاً فلاح و رستگاری فقط در این مکتب به بشریت ارائه می گردد.

صلوه ذرّیه:

در گذشته گفتیم صلوه باطنی توجه به ولایت و صاحب اختیاری عترت علیهم السلام و کسب معرفت ایشان است.

جالب است بدانیم که حضرت ابراهیم(معلم و مربی توحید) در مقام دعا و عرض حال، اسکان ذریه خود را در مکه و نزد بیت، به منظور اقامه ی صلوه معرفی می کند.

«ربنا إنّی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوه فاجعل افئدهً من الناس تهوی إلیهم»(1)

آیا توجه مردم باید به بیت باشد و یا به ذریه ی ابراهیم؟



---

1- . ابراهیم، 37 – تفسیر نورالثقلین، ج6، ص111 را نگاه کنید(پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز.)

کسی در اهمیت و عظمت بیت الله الحرام شک و تردید ندارد، ولی باید بدانیم، عظمت خانه از این است که نماد محوریت امیرالحاج الهی (از ذریه ابراهیم) است.

خوب، توجه مردم دنیا به ذریه ی ابراهیم(عترت طاهرین علیهم السلام) چه فایده و ثمری دارد؟

اینجاست که بحث زمینه سازی ظهور و اقامه ی صلوهِ ولایت پیش می آید.

تبلیغ ولایت و از خوبیهای امامت گفتن، مردم دنیا را به فضائل آل ابراهیم(عترت طاهرین) آشنا ساختن و از شیرینی ظهور نور و بارش طهور، سخن به میان آوردن، قلوب مردم را به بزرگی آن حضرات، معطوف می دارد و مقدمات ظهور (اقامه صلوه) کنار بیت الله الحرام فراهم می گردد.

پس با این بیان، نیز به انحصاری بودن پرچم داران عصر فلاح و خوشبختی(عصر ظهور) رسیدیم و دانستیم که اقامه ی صلوهِ ولایت در کنار کعبه، به وسیله ی ذریه ی ابراهیم (اولاد اسماعیل یعنی عترت طاهرین علیهم السلام ) انجام می گردد.

آیه ی شریفه را دوباره دقت کنید:

«ربنا إنی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا

لیقیموا الصلوه فاجعل افئدهً من الناس تهوی الیهم»(1)

پس اگر کسی در زمان غیبت به ولایت آل ابراهیم یعنی عترت طاهرین علیهم السلام بی توجه باشد، و برای مقدمات ظهور، به خدمات فرهنگی (قرآنی و ولائی) اشتغال نداشته باشد، فردا به سؤال «ما سلککم فی سقر» باید پاسخ گوید.

بی توجهی به ولایت و امامت شارحین دین (عترت طاهرین علیهم السلام )، بی توجهی به همه ی خیرات و از جمله حج نیز به حساب می آید.

قطب بشریت:

با آیه شریفه «فاجعل افئده من الناس تهوی الیهم» به محوریت آل ابراهیم(پیامبر اعظم و عترت طاهرین علیهم السلام ) برای کمال بشریت پی می بریم.

حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) ذریه خود را به مکه برد و کعبه را به عنوان سنگ نشانِ ذریه،

ص:34

---

1- . ابراهیم، 37

تجدید بنا کرد تا محوریت ظاهری و باطنی قطب کمال بشر را الی الابد تعیین فرماید. بنابراین اگر کسی در طریق توحید، قطب یعنی امام نداشته باشد و (به غیر امام)(1)

این راه را بپیماید، مثل کسی است که پشت به کعبه نماید و برخلاف جهت قبله عبادت کند و نماز بخواند.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: نحن آل ابراهیم افترغبون عن مله ابراهیم و قد قال الله تعالی فَمن تبعنی فإنّه منّی.

ما خاندان ابراهیم هستیم، آیا از ملت و روش ابراهیم دوری می کنید، در حالی که خدای متعال (از بیان



---

1- . قال رسول الله صلی الله علیه وآله: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه». این روایت و نظائر معنوی آن: (بغیر امام، لیس فی عنقه بیعه، و...) در مدارک عامّه نظیر: صحیح مسلم، ج3، ص1478؛ کتاب الاماره؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه ی شریفه ی «اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم»؛ ینابیع الموده، ج3 ، ص456 نقل شده است.

ابراهیم) می گوید: هر کس از من پیروی کند او از من است؟(1)

همانطور که سابقاً بیان گردید، باب امامت ابراهیم بسته نشده و از ذریه او همواره پیشوایان معصومی در جایگاه امامت، به راهنمایی و ارشاد مردم پرداخته اند.

وظیفه مردم موحّد این می باشد که با «صادقین» (یعنی عترت علیهم السلام) معیّت داشته و با همراهی امام معصوم به حرکت توحیدی و سیر الی الله ادامه دهند.

... و کونوا مع الصادقین

(2)



---

1- . نورالثقلین، ج3، ص490، ذیل آیه ی شریفه ی 35 ابراهیم
2- . توبه، 119 (فخر رازی مفسر معروف عامه می نویسد: «کسی که جایزالخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را صادقین نامیده است؛ لذا این آیه دلالت می کند بر این که افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان بشوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و إلا این دستور، تکلیف به مالایطاق است.» (تفسیر رازی، جلد16، صفحه ی221) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد1، صفحه ی259، حدیث 350 الی 357، تاریخ مدینه ی دمشق، ترجمه ی علی بن ابی طالب علیه السلام ، ج42، ص361؛ مناقب خوارزمی، منقبت 273؛ فتح القدیر شوکانی، ج2 ، ص502؛ صواعق المحرقه ابن حجر، ص150؛ ینابیع الموده، ج1، ص 348 و358؛ الدرالمنثور سیوطی،ج4، ص316؛ روح المعانی آلوسی، ج11، ص40 و... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجود مقدّس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذعان نموده اند.

دستور ذکر:

یکی از دستورات الهی دستور ذکر است، آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام در مورد ذکر فراوان است.

قرآن در توصیف اولی الالباب می فرماید: الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و ... (1)

در ضمنِ بعضی از آیات، که مربوط به ذکر است، ما به آیاتی برخورد می کنیم که سخن از ذکر آلاء و نعم به میان آورده، به این نوع ذکر نیز فرمان می دهد.

قرآن کریم می فرماید: فاذکروا آلاء الله(2)



---

1- . آل عمران، 191
2- . اعراف، 69 (پس نعمتهای خدا را به یاد آورید.)

اولاً معلوم است که نعم و آلاء الهی فراوان و بی شمار است و ما یاد هر کدام از نعمت ها باشیم و توجّه به بزرگی و اهمیت آن داشته باشیم بازگشت آن توجّه به ولیِّ نعمت یعنی خدایِ کریم و مهربان می باشد.

ثانیاً باید بدانیم خداوند متعال برای نعمتِ رسالتِ رسول اعظم صلی الله علیه و آله بر مؤمنین منّت نهاده است؛ لقد منّ الله

علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً ... (1)

آیا می شود نعمت وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با دیگر نعمتها مقایسه کرد؟

مثلاً آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با نعمت چشم و گوش انسان مقایسه می شود؟

هرگز!!!

فرضاً اگر خواستیم تشبیهی برای رسول الله صلی الله علیه و آله در عالم اجسام داشته باشیم، فقط می توانیم ایشان را تشبیه به قلب کنیم.

ایشان، هم قلب عالم امکان و محور وجودند و هم قلب بدنه دین و جهان تشریع.



---

1- . آل عمران، 164

حالا آیا دستور ذکر آلاء و نعم که برای موحّدان صادر شده است، اول، شامل کدام نعمت می شود؟

آیا ذکر و یاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مصداق بارز و روشن عمل به دستور، ذکر آلاء نمی باشد؟

این نعمت بزرگ که با ولایت و صاحب اختیاریش به همه، حتی انبیاء(1) قبل از خود نور داده، مشکوتی که مصباح(2) را دارا می باشد آیا یادش «مأموربه» و مورد فرمان الهی نبوده است؟

اینجاست که به بی مِهری بعضی از مدعیان توحید باید اشاره کنیم که با بی توجهی به بزرگی رسول الله صلی الله علیه و آله دین را تحقیر کرده، آب به آسیاب دشمنان اسلام، به ویژه یهود ریخته اند.

ذکر علی علیه السلام :

جای بررسی است که ذکر علی علیه السلام که طبق آیه ی شریفه ی مباهله(3)، نفس رسول الله صلی الله علیه و آله به حساب می آید چه جایگاه و رتبه ای دارد.

ص:39

---

1- . زخرف، 45 ، شواهد التنزیل، ج2، ص156
2- . اشاره به آیه ی نور، سوره ی نور
3- . آل عمران،61

منّتی که خدای متعال، برای رسالت رسول الله(صلی الله علیه وآله) بر مؤمنین نهاده، آیا برای رهبری صاحبان ولایت ننهاده است؟

پس آیهِ شریفه ی «و نرید أن نمّن علی الّذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»(1)

چه می فرماید؟

هم نعمت رسالت منّت دارد و هم نعمت ولایت، و در گذشته گفتیم که ولایت و امامت، حافظ و نگهدار رسالت و شارح و مبیّن معارف آن است.

حال، جزء اخیر از علت تامه اگر در نظر گرفته نشود چه می شود؟

پاسخ در آیه ی شریفه به خوبی بیان شده است: و إن لم تفعل فما بلغت رسالته(2)



---

1- . قصص، 5 (اراده ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین منت گذاریم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.)
2- . مائده، 67 (و اگر تبلیغ ولایت ننمایی رسالت او را انجام نداده ای.)

پس رسیدیم به اینکه ذکرالله در ذکر آلاء و نعم نهفته است، و بالاترین ذکر آلاء و نعم، ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله است، و ذکر رسول وقتی مقدور است که او و بزرگی پیامش در آئینه علی علیه السلام دیده شود.

یعنی در آئینه وجود صاحب ولایت، عظمت معارف صاحب رسالت متجلی است، سنت را به عترت باید شناخت، و با آدرس زوج بتول(علیهما سلام الله) باید به معرفت رسول صلی الله علیه و آله رسید.

رسول الله صلی الله علیه و آله در آئینه نهج البلاغه، مُدرسّی بزرگ و مربّی عالیقدری است که علی علیه السلام خود را شاگرد این مَدرس و تربیت شده این دانشگاه بزرگ می داند.

پس ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله نمی تواند جدای از ذکر علی علیه السلام باشد، همانطور که در دستور ذکر صلوات، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: بگو اللهم صل علی محمد و علی آل محمد(1)



---

1- . تفسیر ثعلبی، ج 8، ص61

شافعی این چنین می سراید:

یا آل بیتِ رسول الله حبّکم***فرضٌ من الله فی القرآن أنزله

کفاکم من عظیمِ القدر أنّکم***مَن لم یصلِّ علیکم لا صلوةَ له

«ای اهل بیت رسول خدا! محبّت شما فریضه ای است که از جانب خدا در قرآن آمده است. در عظمت و منزلت شما همین بس که، هر کس بر شما درود نفرستد نمازش باطل است.» (اشاره به صلوات واجب در تشهّد نماز است). (1)

سابقاً اشاره ای به این معنا شد که توجه به صاحب ولایت و قبول رهبری ایشان، صلوه خاشعین است.

مفهوم شعر شافعی که از رهبران غیر شیعی می باشد این است که؛ با سلام و صلوات بر آل محمد(صلوات الله علیهم أجمعین)، صلوتت را صلوه خاشعین کنی.

صلوه بدون ذکر صلوات بر آل، صلوه مستکبرین است.



---

1- . بحارالانوار، ج23، ص235

البته نمی دانیم شافعی به بزرگی کلام خودش واقف بوده، یا فقط کلام

حقی برای حقانیت ذریه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) یعنی عترت طاهرین علیهم السلام به زبان او جاری شده است.

وقوف در آیات و روایات:

اینجا باید وقوف نمایی، سرزمین ذکرالله، یاد اسماء الهی، معرفت امیر حاج.

اینجا عرفاتِ حج ابراهیمی است، (فاجعل افئده من الناس تهوی إلیهم)

وقوف در عرفات چگونه واجب است؟ وقوف به این فرازها، توجه به آیات و روایات معتبره اوجب است، حتی وقوف و تفکر در شعر شافعی و امثال او که حقیقت را در لابلای گفتار خود بیان داشته اند.

قف، مگر وقفوهم إنهم مسئولون(1) را نشنیده ای؟



---

1- . صافات، 24 (آنان را متوقف کنید زیرا مسئولند. بعضی جاها «وقف» به معنی متعدی می آید و بعضی جاها لازم استعمال می شود، مصدر متعدی وقف است و مصدر لازم وقوف.)

حاجی احرام دگر بند، چرا علی علیه السلام در خانه ی کعبه به دنیا آمد؟

قف، یعنی تفکر کن نه ایست کن.

آنها که در قبول ولایت ایست کردند، فردا ایست طولانی و خطرناکی پیش روی دارند.

چرا فرمود: «و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»(1)

وجه ربّ باقی می ماند؟

وجه ربّ ذوالجلال و الاکرام است؟

وجه ربّ کیست؟ یا چیست؟

مگر خداوند صورت جسمانی دارد؟

روی این مطلب باید اندیشه کرد، وقوف نمود تا به مشعر و منای ولایت رسید.

وقوف کنید در عرفات ذکرالله که بدون ذکر نبی و وصی بهره و لذتی از عرفات مکه و حج نمی برید.



---

1- . الرحمن، 27

ذکر مولا:

پیامبر خدا(ص) فرمود: ذکر علیٍ عباده(1)

یعنی: یاد علی علیه السلام عبادت است، بیائید روی این حدیث شریف، کمی وقوف داشته باشیم.

یاد همه ی عترت علیهم السلام البته این چنین است، ولی یاد علی علیه السلام از برتری بیشتر و فضل بالاتری برخوردار است.

چرا یاد علی علیه السلام عباده الله است؟

راستی چرا؟

خوب، مگر او آئینه محمد(ص) نیست؟

مگر او معلم عبادت و مذکِّر عباداللله نمی باشد؟

مگر او پدر عبادت نیست، مثل فرزندش ابا عبدالله الحسین علیه السلام ، اباعبدالله «پدر بندگان»

مگر او پدر آدم نیست «ابو تراب»(2)



---

1- . ینابیع الموده، ج2، ص76 و 229 – کنزل العمال، حدیث32894
2- . ینابیع الموده، ج2، ص79، ناشر: دارالاسوه

مگر نمی دانیم «انا و هو ابوا هذه الامه» را(1) پس ذکر این دو پدر با هم باید منظور نظر امت قرار گیرد.

چرا حلّال مشکلات را فراموش کنیم، به کدامین دلیل امضاء کننده ی مقدرات را از یاد ببریم؟

آیا «إنا انزلناه فی لیله القدر»(2)

را نباید بفهمیم و بشناسیم؟

ای برادر! قدر قرآن را بدان***آیه ی «یُفرَق»(3) زجان و دل بخوان

سوره ی قدر آمده تدریس دین***جان فدای رهبر قدر آفرین

جان فدای آنکه فرمان می دهد***حکم او بر عاشقان جان می دهد

جان فدای غایبِ حاضر جواب*** منتقم بر کینه های بی حساب



---

1- . ینابیع الموده، ج1 ، ص370، ناشر: دارالاسوه
2- . قدر، 1
3- .دخان، 4 – به بحارالانوار، ج4 ، ص101 رجوع کنید، این آیه در مورد شب قدر و حکومت ائمه علیهم السلام نازل شده است.

جان فدای غائب خانه به دوش*** ناظر نامردمان دین فروش

جان فدای حاکم غیب و حضور***عارفان راه را ماء طَهور

جان فدای سرور روح و ملک***حبّ او بر انس و جان باشد محک

لیله القدر است قدر جاه او***آفرین بر حشمت و درگاه او

لیله القدر آمده آئینه اش***علم مصبوب است نقش سینه اش

عزّت و ذلّت بود تقدیر او***مالک مُلک و مَلک با اذن هو

صاحب قدر و شرافت اوستی***معدن جود و کرامت اوستی

طواف ملائکه کجاست، دور امیر قدر، پادشاه مقدّرات، ابوتراب، می دانی ابوتراب امروز کیست؟

به عشق روی ماه تو، دیده پر آب می شود*** به یاد غربتت شها! دلم کباب می شود

ص:47

صاحب خانه ام تویی، مالک جان من بیا*** به دور از ولایتت، جهان سراب می شود

مبدأ هست، هستِ تو، پدر برای ماسوی !***علی به دید مصطفی ابوتراب می شود

ابوتراب این زمان وجود اطهرت بود***مس دلم به دست تو طلای ناب می شود

مبدأ عطر معرفت ! مرا به صحبتت بخوان***مُصاحِب گل ولا، به حق گلاب می شود

چه شعله ای است حب تو، بَرَد دل حریق را***محبّ خود ببین شها چگونه آب می شود

نماز بی ولای تو عبادتی است بی وضو*** کَرائم کلام حق چه خوش جواب می شود

تو ظاهری ظهور حق مگر برای عاصیان*** نفس و هوای دون بسی حکم حجاب می شود

هر آن که مُرد بی ولا، به دور از معارفت*** به روز حشر، بی امان، غرق عِتاب

می شود

در این تهاجم عدو نظر نما به ناصران***عدوی تو به نزد ما یقین مُجاب می شود

مقصد و کهف امّتی، نصرت حق بیا بیا*** «کوچک» تو به نصر دین جزء کِلاب می شود

در عرفات این وادی(امام شناسی) اگر کمی فکر کنی، می بینی در آیات ولایت، تصریح به اسم نیست اما توصیف که ابلغ است، آن هم دهها و صدها توصیف آسمانی، مراد را به مرید نشان می دهد.

روایات، با زمان تقیه ساخته است، فقط می گوید: «ذکر علی عباده»

خوب، چرا از ذکر علی علیه السلام دوری کنیم و مروّج آن نباشیم؟

ص:49

مگر ما برای عبادت خلق نشده ایم؟ (و ما خلقت الجن و الانس إلّا لیعبدون)

و مگر ذکر علی علیه السلام عبادت نیست؟

می توانید بگوئید، شهادت به ولایت عبادت نمی باشد؟

اگر طالب حیات طیبه هستیم تکلیف ما این است، لحظه های زندگی را با یاد علی علیه السلام نورانی کنیم، به ویژه لحظات زیبای مقدمات نماز را.

ما از آقای دکتر تیجانی و دیگر مستبصرین انتظار بیشتری داریم که در درک مفاهیم بلند فصول ولایت و رسیدن به فهم مراتب و شئون امامت، تلاش و سعی فراوان داشته باشند تا به احادیثی مثل مکتوب ساق عرش «علی ولی الله» است بی توجهی نکنند ایشان گفته است اینکه بر ساق عرش نوشته شده «علی ولی الله» این بحث دیگری است که نه برای ما فائده دارد و نه ما را به هدف واقعی می رساند.(1)



---

1- . اهلبیت کلید مشکلها، ص226

البته ایشان مرد مجاهد و خدمتگزاری است ولی بعضی از مطالبش قابل تأمل می باشد. ما به ایشان پاسخ می دهیم که فهمیدن عظمت ولایت و اینکه مسئله یک مسئله سماوی و الهی است، وظیفه ی همه ی موحّدان است و فائده اش فرار از مرگ جاهلیت است،(1)پس مکتوب عرش، که علی ولی الله است بر معرفت موحّد می افزاید موحّد از عرش درس گرفته بر قلبش می نویسد «علی ولی الله» و این ذکر مقدس از قلب به زبان جاری می گردد و حیات طیبه و زندگی همراه با بهترین آرامش ها را به او هدیه می نماید.

آقای تیجانی می داند که ذیل آیه ی شریفه ی «هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین»(2)

از ابی هریره و انس بن مالک از رسول خدا(ص) آمده است: شب معراج



---

1- . اشاره به حدیث «من مات» که در صفحه ی 28 مدرک آن را آوردیم.
2- . انفال، 62 (او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.)

دیدم به ساق عرش نوشته شده: لا إله إلا الله محمد رسول الله

ایدته بعلی (یعنی به وسیله ی علی پیامبر را تأیید نمودم) (1)

در شواهد التنزیل حاکم حسکانی ذیل آیه ی شریفه ی «و من اعرض عن ذکری فإن له معیشةً ضنکاً و نحشره یوم القیامهٍ اعمی»(2)

کلمه ی «ذکری» را به ولایت علی علیه السلام معنا نموده و از جابر بن عبدالله نقل می کند، که رسول الله(ص) فرمود: من أبغضنا اهل البیت حشره الله یوم القیامه یهودیاً

چرا دشمنان اهلبیت علیهم السلام یهودی وارد محشر می شوند؟

شاید به این دلیل باشد که خط دشمنی با اهل بیت علیهم السلام اول از یهود ترسیم و تصویب شده است.



---

1- . شواهد التنزیل، ج 1، ص224
2- . طه، 124 ، شواهد التنزیل، ج1، ص378

و امروزه می بینیم خطوط انحرافی و مقابل قرآن و عترت از یهود درس گرفته و تغذیه می شوند.

خلاصه تبلیغات یهود علیه اهلبیت بر فکر بعضی اثر می گذارد و لذا یهودی وارد محشر می گردند.

پس «ذکر علی عباده» باید به ما بفهماند که نباید از کاروان ذاکرین و خاشعین در برابر ولایت دور و جدا باشیم.

ذکر علی علیه السلام جهادی است در برابر آنها

که قرآن می فرماید: «ذلک بانهم کرهوا ما انزل الله»(1)

از امامت و ولایت کراهت دارند با اینکه این مقام بزرگ از خداوند متعال به اهلبیت علیهم السلام رسیده است.

آیا جهاد در اسلام واجب نیست؟

آیا بی توجهی به تلاش دشمن در خاموش کردن «نور الله» بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و احکام آن محسوب نمی شود؟



---

1- . محمد، 9

انتظار از متفکران و اندیشمندان شیعه است که به تبیین آیات ولایت پرداخته، روایات فضائل را تشریح نموده، مردم به ویژه مستبصرین را به بزرگی های اهلبیت بیش از پیش آشنا سازند.

انتظار از حوزه های علمیه شیعه است که قبل از فقه (احکام شرعیه فرعیه) و اصول فقه، به دانشجویان علوم اسلامی، آیات ولایت و روایات معتبره شئون امامت را تدریس نمایند و عقائد طلاب و سربازان حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قوی و استوار سازند.

انتظار از جامعه ی وعاظ و سخنوران مذهبی است که قبل از پرداختن به هر موضوعی به علت مبقیه دین

بپردازند و در بیان فضائل اهلبیت علیهم السلام با بیان جامع و مستدَل تلاش و جدیت نمایند.

سؤال شب معراج:

آیا می دانید، انبیاء ذاکر علی علیه السلام بوده اند، در آیه ی شریفه: «واسئل من ارسلنا من قبلک...»(1)

ص:54

---

1- . زخرف، 45

مفسرین گفته اند: شب معراج، پیامبر خدا(ص) از همه ی انبیاء پرسید: شما بر چه محوری مبعوث شدید؟

انبیاء پاسخ دادند: علی ولایتک و ولایه علی بن أبی طالب علیه السلام (1)

پس ذکر علی علیه السلام عبادت است، عبادتی که شب معراج، انبیاء بدان پرداخته اند. پیروان انبیاء و موحّدان عالم نیز باید به این دستگیره ی نجات متمسّک باشند.

سوالی شد شب معراج ای دوست***اگر دانی تو آن را بَه چه نیکوست

محمد انبیاء را گشت سائل***به چه محور همه باشید مایل

تمامی از محمد نام بردند***به او قلب مطهر را سپردند

ز بعد او همه گفتند مولا***علی باشد، ز حق حبّش تمنا



---

1- . شواهد التنزیل، ج2، ص159

علی مرشد برای انبیاء بود***علی مسند نشین إنّما بود

امامت بهر دین اکمال باشد***تدیّن بی علی اضلال باشد

علی مشکل گشای کشور دل***از او بحر معارف گشت حاصل

ایمان به ایمان:

چرا ذکر علی علیه السلام عبادت نباشد که او اسوه ی ایمان و اصل ایمان است.

در آیه ی شریفه ی «و من یکفر بالایمان»(1) امام باقر علیه السلام می فرماید:

«من یکفر بولایه عليٍ و علیٌ هو الایمان»(2)

پس ذکر علی علیه السلام ذکر ایمان است، ذکر ایمان به خداوند متعال، ذکر ایمان به پیامبر اعظم(ص).

ص:56

---

1- . مائده، 5
2- . نورالثقلین، ج2، ص200

دوش با اهل دلی با صد زبان***صحبت از ذکر علی آمد میان

گفت بر گو هر چه می دانی از او***گر چه وصف او بود راز مگو

گفتمش ای سائل آزاد فکر***ذکر مولا بهترین ذکر است ذکر

یا علی گفتن کمال آدم است***بر دل مجروح انسان مرهم است

یا علی ذکر سماوات عُلی است***بر لب کروبیان هم این نداست

یا علی ذکر رسولانِ اله***رمز قدرت، رمز عزّ پادشاه

یا علی، شافی به هر درد و غم است***بی ولای یار ما را ماتم است

یا علی گو تا شوی مرد کمال***رتبه آری تو به نزد ذوالجلال

یا علی داروی امراض همه***یا علی ذکر زبان فاطمه

بین مقام میثم تمّار را***خوان زیارت نامه ی آن یار را

یا علی می گفت در بالای دار***در مسیر عشق حیدر استوار

شهر ولایت مأمن اهل ایمان:

یکی از مشکلات فردی و اجتماعی، مشکل تأمین امنیت است.

به نظر شما قرآن چه پیشنهاد و توصیه ای برای تأمین امنیت فرد و اجتماع دارد؟

برای تأمین امنیت، باید ایمان مردم را نسبت به صاحبان ولایت بالا برد، این توصیه ی بزرگ را می توان از آیات؛

1.رب اجعل هذا بلداً آمنا(1)

2.رب اجعل هذا البلد آمنا(2)

3.من دخله کان آمنا(3)

در قرآن کریم دریافت نمود.

ص:58

---

1- . بقره، 126
2- . ابراهیم، 35
3- . آل عمران، 97

تأویل و باطن دعای حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) توجه الهی به ذریه و مأمن قرار دادن ولایت ایشان برای موحّدان بوده است.

البته این دعای بزرگ از آن رجل الهی به اجابت رسیده و اهل ولایت و طرفداران مودت در امنیت و آرامش الهی به سر می برند.

مگر نخوانده ایم: «ألا بذکر الله تطمئن القلوب»(1) را؟ مگر ذکرالله در ذکر علی علیه السلام یافت نمی شود؟

وقتی ذکر علی علیه السلام بر اساس اعتقاد به ولایت آن حضرت جزء زندگی انسانها

شد، سیر آنها به سمت معرفت الله و ذکر الله سرعت پیدا می کند و در نتیجه اطمینان و آرامش با زندگی آنها قرین می گردد.

همین مطلب را شما می توانید از حدیث سلسله الذهب و عبارت (بشروطها و أنا من شروطها) که حضرت اباالحسن الرضا علیه السلام القاء فرمود(2) دریافت دارید.



---

1- . رعد، 28
2- . اشاره به حدیث سلسله الذهب. قال(علی بن موسی الرضا علیه السلام): سمعت أبی موسی بن جعفر یقول سمعت ابی جعفر بن محمد علیه السلام یقول: سمعت ابی محمد بن علی علیه السلام یقول سمعت ابی علی بن الحسین یقول: سمعت ابی الحسین بن علی علیه السلام یقول سمعت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یقول: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول : سمعت جبرئیل علیه السلام یقول: سمعت الله عزّوجلّ یقول: «لا اله الّا الله حصنی، فمن دخل حصنی امن من عذابی»: فلمّا مرت الراحله نادانا: «بشروطها و أنا من شروطها». « لا اله الّا الله دژ محکمی من است؛ پس هر کس که در قلعه و دژ من در آید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ بر آورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحارالانوار، جلد49، صفحه ی 123)

داخل شدن در حصن توحید و دژ استوار لا إله إلّا الله، عامل امنیت و آرامش خواهد بود.

و می بینیم این امنیت و آرامش در حدیث امام رضا علیه السلام مشروط به قبول ولایت می باشد.

نوراللہ کیست؟

در قرآن کریم از ولایتِ کلمات الله یعنی(اهل بیت علیهم السلام) به نور تعبیر شده است.

می دانیم که نور، خود، ظاهر و ظاهرکننده ی غیر است، در مورد پیشوایان الهی اعتقاد ما بر این است که این بزرگواران «نور الله» اند،

ص:60

مکتب نرفته و استاد ندیده به عنایات الهی استاد و مربّی بشریت شده اند.

قرآن کریم می فرماید: «یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار»(1)

این چراغ نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور گردد، مصداق آیه ی شریفه، چراغِ نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که از خداوند متعال سرچشمه گرفته و برای افروختنش به کسی احتیاج نبوده و نیست.

قرآن کریم می فرماید: «واتّبعوا النور الذی انزل معه»(2) یعنی مردم رستگار از نوری که با پیامبر اعظم نازل شده است پیروی می کنند.

قرآن در سوره تغابن دستور می دهد که به خداوند و رسولش و نوری که نازل شده است ایمان بیاورید، و

نیز در سوره ی رعد 16 و تحریم 8 و توبه 32 و صف 8 و بعض سور دیگر در مورد نور الله که همان صاحبان



---

1- . سوره نور، آیه نور
2- . اعراف، 157

ولایت هستند سخن گفته، خصائص نور و مسئولیت جامعه ی بشری در استفاده از آن را بیان داشته است.

یکی از ویژگی های جامعه ی ولایی و طرفداران ولایت علوی، نورانی بودن آنان است.

و همین امر، باعث می شود که جامعه ی مذکور امنیت فردی و اجتماعی داشته باشد.

می دانیم که ناامنی ها به ظلمت (نادانی و ناداری) بر می گردد و ظلمت از بی توجهی به قادر متعال و نمایندگان او ناشی می شود.

بشریت اگر طالب سعادت باشد، باید به ولایت عترت علیهم السلام پاسخ مثبت بدهد.

مکتب غنی علوی که از نادانی و ناداری به دور است، اگر منظور نظر انسانها قرار بگیرد، جامعه به سوی غنای مادی و معنوی رهسپار شده و امنیت و سعادت را به خوبی می یابد.

آب و حیات بخشی آن:

یکی از توصیف هایی که برای اهل بیت علیهم السلام در قرآن آمده است، تشبیه آن حضرات به آب است.

ص:62

می دانیم آب، هم طهور و پاک کننده است و هم حیات بخشی دارد.

«و انزلنا من السماء ماءً طهوراً لنحیی به بلدهً میتاً»(1)

قرآن در سوره ی ملک، آیه ی30 و حج 5 و 63 و الرحمن 19 در مورد این تشبیه سخن گفته است.

حال باید از مسلمین پرسید تا چه اندازه از این آب حیات استفاده کرده و با طهارت نفس و زندگی با معنویت همراه شده اند.

قرآن، هادی انسانها به سوی مکتب أقوَم و صراط مستقیم است؛ «إنّ هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم»(2)

آیا این مکتب اقوم و صراط مستقیم، غیر راه صاحبان ولایت است؟

مکتب ولایت، هم نور دارد و هم آب حیات، هم شارح حلال و حرام قرآن است و هم مبیّن



---

1- . فرقان، 48 و49
2- . اسراء،9

فرائض و واجبات، حال چرا باید انسانها از این منبع فیض دور باشند؟

مکتبی که از بیان جزئی ترین قوانین اخلاق و روش زندگی، تا عمیق ترین مسائل بلند معرفتی برای بشر، کوتاهی نکرده، به چه دلیل به جوامع بشری به خوبی معرفی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است؟

بعضی از مردم به دلیل هوی پرستی در مسیر مخالفت با ولایت قرار گرفته،

خسران و شقاوت را برای خود فراهم کرده، و بعضی هم قاصر در فکر و عمل، به استضعاف کشیده شده، گاهی حتی بلندگوی بیگانه گشته اند.

الان که به تنظیم این سطور مشغولم، میلاد مادر خوبیها، کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در پیش است.

فکر می کنم مسلمانان چه ندارند، وقتی در حیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مطالعه می کنیم به سرچشمه ی خوبیها می رسیم. آیا این بانوی مکرمه، مادر مسلمین نمی باشد؟

ص:64

در عظمت این مادر همین بس که در حدیث قدسی(1) آمده: اگر فاطمه نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را خلق نمی کردم.

در حدیث قدسی ناب و طهور***هست نعت آل احمد در ظهور

حق تعالی خلقت ارض و سما***کرده بهر نور پاک مصطفی

علت غایی وجود نور اوست***مظهر دادار، وصفش بس نکوست

عالی اعلی امیرالمؤمنین***هادی راه و امین مرسلین

گر به عالم خلقتش امضاء نشد***خلقت نور نخست اجرا نشد

فاطمه خیرالنساء باشد ثمر***هست در وصفش حدیث معتبر

آن خبر شهرت به (لولا) آمده***در بیان وصف زهرا آمده



---

1- . جنه العاصمه، آیت الله میرجهانی (قدس سره)، ص149

گر خدا بر خلقتش قصدی نداشت***خلقت احمد به دفتر کی نگاشت

خلقت نور علی هم بهر اوست***او برای خلق عالم آبروست

فاطمه باشد ثمر در این میان***وصف او گوید خدا با این بیان

سوره کوثر همین را بازگوست***در بیان مجد او خوش گفتگوست

گر نبودی میل و امید ثمر***کی نشاندی باغبان بیخ شجر

آن شجر بهر ثمر آمد پدید***حق کمال دین خود در آن بدید

مظهر مکر الهی اوستی***عصمت الله و مطیع هوستی

باغ دین با ذکر او پاینده شد***شیعه از فریاد او یابنده شد

مگر ما می توانیم با این کلمات، حقّ (کلمات الله) را اداء کنیم و بزرگی آنان را شرح نمائیم؟

ص:66

آیات و روایاتی که در این نوشته می خوانید و هر آنچه از بیان خود آن حضرات در توصیف خودشان آمده است بیان و شرح واقعی آن حوصله و

ظرفیت فراوان می طلبد و توفیق الهی می خواهد.

تازه باید بگوئیم؛ آب دریا را اگر نتوان کشید...

یک مطلب در نشان دادن بزرگی مکتب ولایت، خوب است گفته شود، و آن این است که این مکتب پدر و مادر دارد!!

یعنی طریق آل ابراهیم(عترت طاهرین) طریق و روش با اصالتی است که ریشه در اعماق جانها و فطرت ها دارد؛ فطره الله التی فطر الناس علیها(1)

بهترین رنگ الهی، برترین عطر آسمانی در این مکتب یافت می شود؛ «صبغه الله و من احسن من الله صبغةً»(2)



---

1- . روم، 30
2- . بقره، 138

پدر این مکتب خاتم الانبیاء محمد(صلی الله علیه و آله) و علی مرتضی(صلوات الله علیه) دو دستگیره نجات بشریت و مادر این مکتب فاطمه زهرا علیها السلام است.

در برابر آب بایستید و نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین(صلوات الله علیهم أجمعین) را ببرید، ملکولهای آب، خبردار به نظام واحد قیام نموده، به نمایندگان خداوند احترام می کنند. (1)

عالَم جماد، نبات و حیوان در حدّ وجودی خود به علت غائی هستی تعظیم می نمایند.

امّا چرا و چگونه انسان به پدر و مادرش بی اعتنا گشته، عوض احسان به والدین، سنگ جفا به سعادت خود می زند؟

آیا انسان نباید فکر کند که خاصیت این سنگ زدنها چه می شود؟

آیا انسان به امنیت و سعادت خود لطمه وارد نمی کند؟



---

1- . خوانندگان گرامی را به نتایج مطالعات دکتر اِموتو، دانشمند ژاپنی پیرامون تأثیر کلمات و اخلاق و ضمیر انسان بر آب ارجاع می دهیم.

آیا این انحطاط از کدامین علت برای جامعه مسلمین به وجود آمده است؟

مکتبی که امنیت دارد، سعادت دارد پس به چه علت مریدانش غالباً به شقاوت و بدبختی گرفتارند؟

راستی چرا این چنین شده است؟

ما برای درمان دردهای فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی به جز عمل صالح (بعد از مؤمن شدن) چیزی را سراغ نداریم.

و عمل صالح، توجه به صلوه وسطی است که وجود مطهر امیرالمؤمنین است؛ «حافظوا علی الصلوات و الصلوه الوسطی»(1)

بیائید به نماز ولایت، خصوص ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام توجه فراوان داشته باشیم.

چرا در گوش طفل شیرخواره باید اذان بگویند، فقرات اذان و اقامه، اقامه نماز ولایت است، وجود طفل با کلمات مقدسه از انحراف دور می گردد.



---

1- . بقره، 238

تکبیره الاحرام:

نماز ولایت با یک تکبیر آغاز نمی گردد، صد و بلکه صدها تکبیر می خواهد.

تکبیره الاحرام زیارت جامعه، زیارت اقرار به ولایت،صد تکبیر است.

اول از خداشناسی شروع می کنی، خدای اکبر باید ولیش اکبر باشد.

او اکبر أن یوصف است، حجت او هم در خلق اکبر ان یوصف به حساب می آید.

حالا ملکولهای وجود طفل شیرخواره در برابر اذان و اقامه ولایت قیام نموده تا تربیتی برای فردا و فرداهای او در جامعه باشد.(1)



---

1- . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که فرزندی از او متولد شد، باید که اذان در گوش راست او و اقامه در گوش چپ او بگوید، این کار باعث می شود او از شرّ شیطان در امان باشد. حلیه المتقین، ص124

تا وقتی الله اکبرهای زیارت جامعه را می شنود، متذکر شهادت به ولایت بشود و فقرات زیارت جامعه را غلو نخواند.

بعضی علماء فرموده اند که این الله اکبرها غلو زدائی و مبارزه با شرک است.

بلی ممکن است این چنین باشد، اما با کمی دقت در می یابیم که قبل از کلاس ولایت، کلاس معرفت الله لازم است.

وقتی در کلاس معرفت الله، خدای را به بزرگی شناختی، دیگر بزرگی نمایندگان خدای بزرگ را غلو نمی خوانی.

کسانی که به عظمت حکومت و سلطنت خدای متعال معرفت ندارند، در عظمت صاحبان ولایت توقف می کنند. دعای اللهم عرفنی نفسک را فراوان بخوانید، وقتی عرفان الهی به عنایت حق آمد آبشار عرفان پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) و حجج الهی بر قلب انسان سرازیر می گردد.

الله اکبر، الله اکبر که با این عظمت، با جُهّال و اهل غفلت نشست و برخاست می کردند و از خود تواضع و فروتنی نشان می دادند.

ص:71

الله اکبر، الله اکبر که خُلقشان مثل خَلقشان عظیم و بزرگ بود و با

پائین ترین خَلق صبوری می نمودند و دلی را نمی شکستند.

الله اکبر، الله اکبر که حقشان پایمان شد ولی حقوق بشر را حتی در زمان استضعاف برای بشریت ترسیم کردند.

الله اکبر، الله اکبر(علی علیه السلام صوت العداله الانسانیه)، برتر و بالاتر از آنچه در1945 میلادی به نام حقوق بشر در اروپا تصویب گردید، حقوق بشر را عملاً تدریس نمود، همان را می گویم که از گریه یتیم گریه می کرد و از ستم در حق یهودیه فریاد بر می داشت.

توئی که زیارت جامعه می خوانی و نماز ولایت را اقامه می کنی، تنها نیستی که الله اکبر می گویی بلکه تمام موجودات به این عظمت روح و بزرگی اخلاق، الله اکبر می گویند.

پس الله اکبرها پاسخگوی شبهه افکنان پیرامون ولایت و شئون اهلبیت علیهم السلام است.

در اینجا زائر از خداشناسی به امام شناسی می رسد. البته از معرفت امام و حجت الهی می توان به معرفت الله رسید، «من أراد الله بدء بکم» شاهد این مطلب است.

ص:72

بزرگی علم، قدرت و جاه و جلال علی علیه السلام معرّف بزرگی خداوند است.

اینجا از اثر، پی به مؤثر می بریم، آیه ی بزرگ خدا که نشان دهنده علم الله و قدرت الله است، علی علیه السلام می باشد.

بیائید علی علیه السلام را بشناسیم تا خدای را بشناسیم.

امروز نماینده ی حضرت علی علیه السلام ، حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ناشناخته مانده است.

برای شناخت حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خداشناسی لازم است.

مسلمانان وقتی الله اکبر را فهمیدند، به علم و قدرت نماینده او در این زمان واقف می شوند.

مگر می شود خدای اکبر نماینده (نمایش دهنده) علم و قدرت نداشته باشد؟

کسب معرفت الله که «مأمور به» است از کجا غیر از نگاه به عظمت نماینده ی او محقق می شود؟

اگر زمین خالی از حجت الهی باشد، این بدین معناست که آئینه ی خدانمایی وجود ندارد و کسب معرفت الله وظیفه ی انسانها نیست و این با ادله ی عقلی و نقلی منافات دارد.

در خاتمه، بنا به امر و دستور «فاذکروا آلاء الله» به یاد حجت یزدان، ولی دوران، حضرت ولی عصر امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشعاری ارائه می گردد.

ص:74

«شعر»

بی عشق روی مهدی عمرم شود چه زائل***غیر از محمد و آل نبود مرا وسائل

با عشق روی گلها دارم توسلی چند***بَه بَه، به نور نرجس! قلبم بر اوست مایل

از کافران نپرسم نور وجود مهدی***با اجنبی نگویم امثال این مسائل

سرِّ ولا نداند آن کس که اجنبی شد***افشا کنم هدف را بر شیعیان سائل

بر صفحه ی دل ما نقش نگار باشد***نامه نگار اوئیم، به به از این رسائل

قدر است نظره ی او در لیله ی مقدّر***فوج ملک به عشقش گردیده اند نازل

ص:75

«تو خود حجابی»

شعری به عشق گفتم وفق مراد سائل***هر کس شنید گفتا: لِلّهِ دَرُّ قائِل

گفتم انیس دلها از بهر چه نیایی؟***گفتا تو خود حجابی چون و چرا چه حاصل؟

گفتم ز چه نصیبی از دیدنت ندارم؟***گفتا اسیر نفسی آتش بزن تو حائل

وز معصیت بپرهیز با نفس دون در آویز***حقاً همین معاصی گردیده است فاصل

بر حکم دین نظر کن با متقین سفرکن*** از سیر در شریعت شاید شوی تو واصل

گفتم ترحمی کن از بهر ما یتیمان***گفتا منم رئوف و بهر یتیم کافل

من مقصد أَلَستَم کون و مکان به دستم*** از ارتباط با من هرگز نشو تو غافل

«کوچک» به یاد رویم اشک شعف بریزد***او با عنایت ما گردیده است ناقل

ص:76

یابن الحسن العسکری

در حدیث آمده است: النظر إلی علی عباده(1)

اماما، وارث و نماینده ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمائید و همچنان که ذکر بزرگی و عظمت مقامتان عبادت است، نظر به چهره ی نورانی و مقدستان عبادت است، ولی دست ما کوتاه و خرما بر نخیل.

عزیزٌ علیَّ أن أری الخلق و لاتری

والسلام علیک یا بقیه الله

توجه:

برخی از آثار اعتقادی آیت الله بحرالعلوم که بزودی منتشر می گردد:

1. مباحث تخصصی امامت و مهدویت از دیدگاه قرآن- عربی، فارسی، روسی، سواحلی، اندونزی و چینی.

2. حقائقی که در عاشورا ترسیم شد- فارسی.

3. مرآه الجمال- دل نوشته های مهدوی- عربی و فارسی.

4. دعای ندبه تجلیگاه عشق- ویرایش جدید- فارسی و عربی.

5. نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان- فارسی، انگلیسی و فرانسه.

6. الصرخه- نقد شبهات روز- عربی و فارسی.

7. دروغ پردازی پشتوانه ماتریالیسم- چاپ جدید- فارسی و انگلیسی.

8. تقدمه تقویم الإیمان فی فضائل امیرالمؤمنین- چاپ جدید- عربی.

9. وظائف موعودیان- چاپ جدید- فارسی و عربی.

10. پاسخ بافته ها - نقدی بر اندیشه های شبستری- فارسی.

11. انتخاب برترین سیستم- نقد افکار مارکسیستی- ویرایش جدید- فارسی.

12. عبور از پرتگاه- میزگرد و نشستنی با دکتر تیجانی- عربی و فارسی.

13. نصیحتی الی شیخ الوهابیه- عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه، اردو و روسی.

14. خصائص الامراء (قسمت دوم).

15. و ده ها کتاب دیگر.

ضمناً از معظم له ده ها مقاله جهت همایش های علمی در دانشگاه های داخلی و خارجی، روزنامه ها، مجلات و سایتهای مختلف تدوین گردیده، که با توفیق الهی در مجموعه ای کامل تنظیم و در چند مرحله چاپ و منتشر می گردد.

ص:77

---

1- . صواعق المحرقه، ج2، ص260

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109